



## تحلیل فقهی و جرم شناختی خشونت تماشاگران فوتبال

مجید آقایی\*<sup>۱</sup> علی صفاری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۰۹

تاریخ بازنگری: ۹۷/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۰۲۵

تاریخ انتشار: ۹۸/۰۳/۰۱

## چکیده

این پژوهش با تعریف خشونت و پرخاشگری به بررسی دیدگاه های جرم شناسان زیستی و فقه امامیه در ارتباط با خشونت تماشاگران فوتبال می پردازد. سوال اساسی چستی خشونت تماشاگران فوتبال و چگونگی تبیین تئوری های جرم شناسانه زیستی و مفاهیم فقهی در خصوص خشونت تماشاگران فوتبال باتکیه بر کاستی های نظریات زیستی است. جبرزیستی در کنار مادی گرایی صرف و تجربه گرایی رکن رکن رهیافت های جرم شناسان زیستی است. غالب این نظریات در تیپ بندی جنایی افراد و تلقی خشونت تماشاگران فوتبال به عنوان سوپاپ اطمینان در تخلیه هیجانات ویرانگر غریزی است که در صورت عدم تخلیه به بیماری روانی منجر می شود در فقه امامیه ضمن توجه به جنبه مادی و معنوی انسان و تأکید بر انسان ساز بودن ورزش و عدم جواز خشونت تماشاگران فوتبال، با تأکید بر قاعده حرمت جان و مال و آبروی افراد، خشونت تماشاگران را در پرتو اختیار توجیه نموده و جبرزیستی را مطرح و قلمداد و نظریه امر بین الامرین مورد پذیرش قرار میگیرد قرآن به عنوان کتاب انسان و جرم شناسی به عنوان علم انسان شناسی در تحلیل خشونت تماشاگران فوتبال می توانند تعاطی افکار برای جبران نقایص جرم شناسی خشونت تماشاگران فوتبال داشته باشند.

واژگان کلیدی: فقه امامیه، جرم شناسی، خشونت، تماشاگران فوتبال

## ۱- مقدمه:

ورزش و به ویژه فوتبال انعکاسی از جامعه بوده و می تواند خصیصه ناپسند خشونت انسان ها را مانند سایر صور اجتماعی نشان دهد. جامعه خشن و منحرف می تواند خشونت را در فعالیت های ورزشی به ویژه فوتبال

<sup>۱</sup> - استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران (نویسنده مسئول)  
<sup>۲</sup> دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

منعکس می‌کند و این رابطه مستقیم وجود دارد که خشونت در ورزش بستگی اساسی به سطح و میزان خشونت در جامعه دارد. (قاسمی، ذوالاکتاف، پور علیوند، ۱۳۸۸، ص ۳۷) فوتبال کارکردهای بسیاری در زمینه های سیاسی، حقوقی، کیفری، جرم شناسی<sup>۱</sup> به خود گرفته است. روان شناسی ورزشی، اقتصاد ورزشی و از همه مهمتر حقوق ورزشی<sup>۲</sup>، رشته های نوینی است که زائیده این کارکرد ها است. جرم شناسی با بهره گیری از علوم مختلف با کمک از حقوق کیفری و با روشی استقرایی سعی در بررسی خشونت تماشاگران فوتبال دارد. خصایص فوتبال و ویژگی های آن، آنرا از سایر ورزش ها متمایز کرده و این تمایز در سطح عمومی جامعه ملموس است. ورزشی که جمعیت بسیار زیادی را در زمان معین در یک محل گرد هم می‌آورد و این حجم بالای تماشاگران زمینه مناسبی برای بروز هیجان زیاد و خشونت فراهم می‌آورد و در بعد اجتماعی سبب یادگیری نقش‌های اجتماعی و تقویت روحیه مسئولیت پذیری و روحیه ملی و پر شدن اوقات فراغت جوانان است. ترویج و اشاعه فرهنگ و مسایل اعتقادی و بعضا سیاسی جهت اعتراض به وضع حاکم و نژادپرستی نیز می‌تواند از کارکرد های فوتبال است. (اخوان، کاظمی، ۱۳۸۲، ص ۳۴) کمیته انضباطی فوتبال در قالب دستگاه عدالت کیفری انضباطی<sup>۳</sup> و حقوق کیفری ورزشی به عنوان شاخه های عدالت توزیعی<sup>۴</sup> سعی در کنترل کیفری این پدیده شوم دارند. هدف از این پژوهش، بررسی جرم شناسانه بانگ‌رشی وسیع تراز جرم، در قالب انحراف و نابهنجاری است تا با مقایسه علل زیستی بروز خشونت تماشاگران فوتبال به مبنای زیستی - فقهی این انحراف پرداخته و کمیت و کیفیت آن ها را بررسی نموده و ارائه طریق در تقلیل و کنترل این نابهنجاری و علل خشونت نماید. علت چیزی است که از وجود آن وجود امری و از عدم آن عدم امری لازم آید (کی‌نیا، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵).

سوالاتی که مادر این پژوهش سعی در پاسخگویی به آنها هستیم عبارتند از: ۱- معنای مفهوم خشونت تماشاگران فوتبال چیست؟ ۲- بنیادهای نظری جرم شناسانه زیستی و فقهی بروز خشونت تماشاگران فوتبال چیست؟ خشونت در ابعاد کلامی و جرایم علیه اموال باغلبه بیشتری اکثریت پرخاشگری های تماشاگران فوتبال را در بر می‌گیرد در کنار وجود تفاوت های اساسی در بنیادهای نظری موجود و علل خشونت تماشاگران فوتبال در ابعاد زیستی، روانی و محیطی دیدگاه های فقهی نیز می‌تواند هادی جوامع به ویژه مسلمین در ابعاد مختلف این انحراف باشد در این پژوهش ضمن تبیین مفهوم خشونت و پرخاشگری بنیادهای نظری جرم شناسی در بعد زیستی - فقهی مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً ضمن بیان کاستی های رهیافت زیستی جرم شناختی خشونت تماشاگران فوتبال دیدگاه های فقهی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

## ۲- تاریخچه خشونت تماشاگران فوتبال

کشور انگلستان اولین کشوری است که دارای لیگ حرفه‌ای فوتبال بوده و پیشگام در زمینه وندالیسم است. بیماری انگلیسی که به حدی سوابق تاریخی آن زیاد است که ذکر آن از حوصله این مقاله خارج است. تاریخچه بی‌نظمی

<sup>۱</sup> Criminology

<sup>۲</sup> Sporting law

<sup>۳</sup> Disciplinary punishment

<sup>۴</sup> Distribution justice

فوتبال انگلستان به عنوان یک مسئله سیاسی در بریتانیا در سه مرحله مورد مطالعه قرار می گیرد. حمله و هجوم به درون زمین طی سالهای ۱۹۶۰ به طور مطلوبی به عنوان تمایل روزافزون حامیان فوتبال به منظور هجوم بردن به میدان بازی برای تبریک گفتن به تیم‌هایشان تفسیر می شد (اداره کل پژوهش ناجا، ۱۳۷۵، ص ۱۴) مرحله اول: از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ است که با بی نظمی‌های هواداران آرسنال به مرحله جدیدی رسید، در این مرحله نمایندگان پارلمان از کنترل فیزیکی تماشاگران تا دستگیری و تعیین جریمه برای متهمان تمهیداتی را اندیشیدند. کمیته مشورتی میان مراجع اجرایی و پلیس و دست اندر کاران تشکیل و ارتباط با فدراسیون فوتبال برقرار گردید. مرحله دوم: از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ است که تحقیقاتی در خصوص تیم‌های آکسفورد یونایتد و آرسنال انجام شد. تدابیر پارلمانی جهت سرکوبی خشونت طرفداران فوتبال بوده است، نظیر تفکیک تماشاچیان از نظر جنسی و نژاد و مذهب، توقیف هواداران، برخورد جدی با تحلیل و تکریم احتمالی رسانه‌ها از خشونت تماشاگران فوتبال و .... (همان، ص ۶۵) مرحله سوم: از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵ و بعد از آن است. در سال ۱۹۸۴ یک گروه فعال رسمی متشکل از یک سری محققین تشکیل گردید است تا نسبت به صدور احکام و اتخاذ اقدامات اجرایی علیه اوباش و اوباشگرها انجام دهند.

در سال ۱۹۸۵ تراژدی هیسل اتفاق افتاد. (Giulianoti, bonny, hopword, 1994, p:112) هرچند این حادثه در کشور بلژیک و خارج از خاک انگلیس روی داد، در مسابقه بین لیورپول و یوونتوس ۳۹ نفر کشته و ۶۷۰ نفر زخمی شدند و باشگاه‌های انگلیسی برای ۵ سال محروم شدند و مسئول لیگ بلژیک هم به زندان تعلیقی محکوم شد و ۱۴ اوباشگر انگلیسی به سه سال حبس با اعمال شاقه محکوم شدند. در سال ۱۹۸۹ در بازی بین دو تیم لیورپول و تاتنهام فارست ۹۶ نفر جان خود را از دست دادند و بسیاری مجروح شدند، بعدها از این واقعه به عنوان تراژدی هیلسبوروک یاد شد. (Sick man, 2004, p:17) در سال ۲۰۰۷ در دیدار دو تیم آث رم ایتالیا و منچستر یونایتد انگلیس در شهر رم پس از شکست تیم منچستر تماشاگران انگلیسی به خیابان‌ها ریختند و زد و خورد نموده و پلیس بسیاری از تماشاگران را دستگیر نمود.

سوابق تاریخی خشونت فوتبال در انگلستان و برخورد قانونی با آن آنقدر سختگیرانه و عمیق است که سال‌ها به این مسئله مافوق یک امر ورزشی به عنوان یک مسئله سیاسی به آن توجه می شود. در ایران با توجه به کمتر بودن قدمت فوتبال، خشونت تماشاگران فوتبال هم دارای سابقه کمتری است. قبل از انقلاب رفتارهای وندالیسم و اوباشگری در بین تماشاگران شایع نبوده و تنها چند گزارش جزئی بین بازیکنان گزارش گردیده است. اهم اتفاقات و وقایع خشونت آمیز در فوتبال ایران به این شرح است: آبانماه ۱۳۵۸ دیدار استقلال و پرسپولیس: طرفداران پرسپولیس در اواخر بازی به زمین هجوم آورده و بازی نیز نیمه تمام رها می شود. سال ۱۳۶۳ در دیدار پرسپولیس و پاس: تماشاگران به داخل زمین ریختند و تیرک دروازه را درآوردند و زمین چمن را به آتش کشیدند و فوتبال باشگاهی در شهر تهران تعطیل شد. (بیات، ۱۳۸۰، ص ۸۶) سال ۱۳۷۹ دیدار استقلال و فجر شهید سپاسی: بازی نیمه تمام رها شد و بین مسابقه درگیری شدید بین طرفداران دو تیم منتهی به زخمی شدن ۳۵۰ نفر و دستگیری ۱۰۰ نفر

گردید. سال ۱۳۸۵ بازی استقلال و پرسپولیس: ۳۳۳ دستگاہ اتوبوس تخریب شد و ۳۱ نفر مجروح شدند. حوادث این بازی در شهر تهران از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۵ بی سابقه بوده است. دیدار ایران و بحرین در مقدماتی جام جهانی سال ۱۳۸۰: عده‌ای از جوانان دست به آشوب زدند و ۲۳ بانک و تعدادی خودرو پلیس و ۵ دستگاہ خودرو شخصی تخریب شد و ۷۰۰ نفر دستگیر شدند. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۲، ص ۸) با نگاهی اجمالی در می‌یابیم که بیشتر خشونت‌ها بین تیم‌های استقلال و پرسپولیس در قالب تخریب و جرایم کلامی است و این در حالی است که در فوتبال انگلستان هم به لحاظ نوع و کیفیت و کمیت حجم بسیار گسترده‌ای از خشونت را می‌بینیم و هم به لحاظ تداوم و سابقه بسیار زیاد از حیث تاریخی و تکرار خشونت و جرایم خشونت بار نظیر قتل به هیچ وجه دو کشور قابل مقایسه نیستند در ایران قتل و خشونت‌هایی نظیر تراژدی هیسپل به هیچ وجه وجود ندارد.

### ۳- مفهوم شناسی:

خشونت، پرخاشگری، اوباشگری، هولیگانیزم<sup>۱</sup> و ون‌دالیسم<sup>۲</sup> واژه‌هایی هستند که در خشونت تماشاگران فوتبال کاربرد فراوان داشته و نیاز به بررسی و تحلیل دارند.

### ۳-۱- خشونت و پرخاشگری:

ارونسون خشم و پرخاشگری را عملی می‌داند که هدفش اعمال صدمه، آسیب و رنج است. (ارنسون، ۱۳۶۹، ص ۹۸) بر اساس نظر بارون<sup>۱</sup> پرخاشگری کنشی است که شامل هر دو عمل آسیب رسانی بدنی و روانی است و جنبه تعمدی دارد. امری تصادفی به شمار نمی‌آید و تنها شامل افراد نیست. (Baron, Donn, 1994, p: 62) کاکلی<sup>۲</sup> در تعریفی نسبتاً جامع از پرخاشگری آن را چنین تعریف می‌کند: « پرخاشگری ناظر به رفتاری است که با نیت تخریب اموال یا صدمه زدن به شخص دیگر انجام می‌شود و متضمن بی توجهی محض به سلامت دیگران و احتمالاً خود شخص است. » پیامدهای پرخاشگری ممکن است فیزیکی و یا روانی باشد. وی آنگاه در تعریف خشونت و تمایز آن از پرخاشگری به کنشی فیزیکی اشاره می‌کند: خشونت کنشی فیزیکی است که با بی توجهی کامل به سلامت خود و دیگران یا نه به منظور آسیب زدن و آسیب رساندن به شخص دیگر یا تخریب دارایی‌ها انجام می‌شود. (Coakley, 1998, p:38) خشونت استفاده نا مشروع و غیر قانونی از زور و قدرت است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۱) برخی از پژوهشگران بین دونوع پرخاشگری، یعنی پرخاشگری<sup>۳</sup> "بازتابی"<sup>۴</sup> و "ابزاری"<sup>۵</sup> تمایز قایل میشوند. پرخاشگری بازتابی یا کینه توزانه باهدف ایراد آسیب فیزیکی یا روانی به عنوان یک هدف و نه ابزار در نظر گرفته میشود. (Alderman . 1974 , P:225) به تعبیر "لئونارد"<sup>۶</sup> این نوع پرخاشگری دارای مؤلفه ای اساساً احساسی و هدفش آسیب رسانی است (Leonard , 1988 , P:165). برکویتز این نوع پرخاشگری را ((پرخاشگری عصبی)) می‌نامند که در جریان آن فرد پرخاشگر فرد یا افراد دیگر را به عنوان تهدید یا محرکی

<sup>۱</sup> holliganizm

Baron

<sup>۲</sup> Coakley

<sup>۳</sup> Reactive\_reflective  
<sup>۴</sup> instrumental

آسیب رسان تلقی می کند (Berkowitz , 1986 , P:307). "پرخاشگری ابزاری" شامل اعمال ضرب و جرح و وارد ساختن درد و رنج به دیگری یا دیگران به عنوان ابزاری برای دستیابی به یک هدف است که شکل محسوس آن می تواند دستیابی به اهداف گوناگونی مانند پاداش مادی، پیروزی، یا تحسین باشد. این نوع پرخاشگری متضمن خشونتی غیر احساسی و معطوف به انجام وظیفه است. در عرصه فعالیت‌های ورزشی، خشونت و پرخاشگری در هر دو شکل ابزاری و بازتابی تجلی می یابد که از سوی افراد حاضر و مشارکت کننده در رویداد ورزشی در قبال سایر بازیکنان، تماشاگران، مربیان، مقامات ورزشی، عامه مردم و اموال صورت می پذیرد (Alderman . 1974 , P:229). خشونت با رفتار، کنش و کاربرد نیروی فیزیکی خشن، ناهنجار و آسیب زامشخص می گردد. همچنین، خشونت را می توان به مثابه تجلی افراطی و شدید خشم و عصبانیت به صورت احساسی و یا کلامی در نظر گرفت. به این ترتیب، خشونت ورزشی را می توان به عنوان رفتاری تعریف کرد که خارج از قواعد و مقررات ورزشی رخ می دهد، سبب آسیب عمدی می گردد، و ارتباط مستقیمی با اهداف رقابتی ورزش ندارد (Terry and Jackson , P:2 , 1985).

### ۳-۲-وندالیسم و هولیگانیسم و اوباشگری:

ضدیت با صنعت و آثار تکنولوژی و مترادف وحشیگری را وندالیسم<sup>۱</sup> گویند. (آریان پور، ۱۳۹۳، ص ۵) وندال نام قومی از طایفه ژرمن است که بین دو رودخانه "اودر" و "ویستول" در قرن پنجم میلادی می زیستند. لقب وندال را به خرابکاران به دلیل روحیه تهاجمی و ویرانگر به این قوم داده‌اند. ازدحام خود جوشی که عمدتاً توسط گروه‌های هوادار تیم‌ها به صورت خود انگیخته و بدون برنامه ریزی قبلی تشکیل می‌شود و معمولاً به ستیزه جویی و حمله به پلیس و فحاشی ختم می‌شود را اوباشگری می‌گویند. هولیگانیسم واژه‌ای معادل اوباشگری است که اولین بار توسط پلیس انگلستان در سال ۱۹۸۹ با الهام از نام پاتریک هولیگان که از یک خانواده ایرلندی بی رحم مورد استفاده قرار گرفته است. (ویلیام جیمز و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۸) این واژه به خودی خود دارای ریشه انگلیسی بوده و به اندازه‌ای در سطح جهان جا افتاده است که حتی در زبان‌های فرانسه و آلمانی و ایتالیایی نیز از واژه هولیگان استفاده می‌شود. مارش<sup>۲</sup> و همکاران اوباشگری فوتبال را بی نظمی، خشونت در مقیاس وسیعی می‌دانند که توده‌های غوغا گر را به ذهن می‌آورند که از فرط هیجان عنان اختیار از دست داده‌اند (Marsh, 1996, P:72). خشونت در فوتبال که به نام‌های وندالیسم و آشوب‌گری یا هولیگانیسم شناخته می‌شود دارای ویژگی‌های زیر است: ۱- توام با کنش و رفتار است ۲- محرک فیزیکی و روانی دارد. ۳- عامدانه و قاصدانه است و بعضاً سازمان یافته است. ۴- آسیب روحی و روانی و فیزیکی به دیگران از عناصر اصلی است. ۵- عدم توجه به نتایج آسیب به دیگران و خود-هرکجا فوتبال هست اوباشی‌گری وجود دارد و پدیده‌ای جهان مشمول است. ۷- وندالیسم پدیده‌ای نوظهور و مربوط به جامعه مدرن است. ۸- جرایم علیه اشخاص فحاشی تا قتل و جرایم علیه اموال که غالباً تخریب است و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی که غالباً بر هم زدن نظم و برپایی هیاهو و جنجال است با انگیزه‌های مختلف حتی انگیزه‌های

<sup>۱</sup> vandalism  
<sup>۲</sup> Marsh

سیاسی مد نظر است. ۹- نژاد پرستی در فوتبال در قالب جرم شناسی نفرت از مهمترین صور و مظاهر خشونت در فوتبال است. وندالیسم در یک تقسیم بندی به پنج دسته تقسیم می شود: ۱- وندالیسم مال اندوز: هدف بدست آوردن دارایی است. ۲- وندالیسم تاکتیکی: هدف صرفاً "بدست آوردن دارایی نبوده بلکه غالباً تخریب اموال مدنظر است. ۳- وندالیسم انتقام جو: جبران خشونت و رابطه تعارض آمیز قبلی و انتقام هدف اصلی است. ۴- وندالیسم تفریحی: هدف تنها قانون شکنی است که در پی تخلیه هیجانات و در قالب تفریح انجام می شود. ۵- وندالیسم خصومت: فوتبال بهانه ای برای آشوب و تسویه حساب های شخصی و بعضاً افکار سیاسی است. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۲، ص ۹). به نظر نگارنده مفهوم خشونت جدای از هولیگانیزم نبوده و هولیگانیزم شکل خاصی از خشونت در ورزش است که دارای ویژگی های منحصر به فرد خود است.

### ۳-۳- تماشاگر:

ورزشکاران در حلاء اجتماعی رقابت نمی کنند وقتی به درون استادیوم قدم می گذاریم این مسئله معنی می یابد. تماشاچیان یا تماشاگران کسانی هستند که خصلت بی طرفی نسبی بر آنها غالب است و فرقی نمی کند که کدام تیم برنده یا بازنده باشد و معمولاً در طبقه دوم و با فاصله از زمین می نشینند. هواداران کسانی هستند که تشویق کنندگان یک تیم خاص بوده و به یک باشگاه تعصب می ورزند. "فن" واژه مربوط به هواداران است. "فاناتیسم" به معنای متعصب از همین واژه منشعب می شود. واژه "فرکس" به تماشاگر متعصب اطلاق می گردد. بیشتر خشونت تماشاگران فوتبال مربوط به این دو دسته است. واژه تماشاگر نما عنوان ابداعی در فوتبال ماست که می تواند مفاهیم "فن" و "فرکس" را در بر گیرد. در واقع واژه تماشاگر نما در ایران همان اوباشگران و هولیگانها هستند. مجرمین و منحرفین به عادت که تکرار انحراف خشونت در ورزشگاه ها از ویژگیهای آنان است. هواداران در طبقه اول و جایگاه های ویژه و سکوهایی که تسلط بیشتری بر زمین دارند مستقر می شوند. تماشاگر نماها یا اوباشگران قبل و در حین و بعد از مسابقه فوتبال می توانند خشونت را بروز دهند. لیکن اکثریت این خشونت ها مربوط به حین مسابقه و بعد از مسابقه فوتبال است.

### ۴- تئوری های جرم شناسی زیستی خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال

جرم شناسی زیستی کلیه مسائل علت شناسی و پویایی جنایی را با توجه به جهت گیری کلی زیست شناختی مورد مطالعه قرار می دهد (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۷۳). اعتقاد به اینکه ماهیت نوع بشر پرخاشجو و بی رحم، یانجیب و پاک است از دیرباز موضوع بحث فیلسوفان بوده است "ژان ژاک روسو" از طرفداران مکتب فایده اجتماعی شرارت و خباثت بشر امری غیر فطری و محصول جامعه تلقی می کند. نقض قراردادهای اجتماعی او را در نزد سایر افراد جامعه به عنوان مجرم معرفی می کند (آقایی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۸). به تعبیر وی انسان شریف و پاک به دنیای آیدواین جامعه است که شرارت و کینه توزی رابه وی می آموزد و او را خشن و بی رحم بارمی آورد. برخلاف

روسو<sup>۱</sup>، توماس هابز<sup>۲</sup>، فیلسوف انگلیسی قرن ۱۷ و ۱۸ موانع و اجبارهای اجتماعی را برای مهار و بازداشتن بشر از وحشیگری و بربریت امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌دانست. در حوزه جرم‌شناسی سه رهیافت عام در مورد تبیین خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال وجود دارد. این سه رهیافت عبارتند از: ۱- رهیافت‌های زیست‌شناختی ۲- روان‌شناختی ۳- جامعه‌شناختی. در این مقاله سعی در تحلیل دیدگاه‌های زیست‌شناختی با تأملی در فقه امامیه می‌شود. کهن‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نگرش در تحلیل پرخاشگری و خشونت انسان در حیطه ورزش معطوف به این نگرش است که انسان به دلیل طبیعت زیستی‌اش برای ارتکاب خشونت برنامه‌ریزی شده است. الهام از دیدگاه‌های داروین در سیرقه‌قهرایی انسان و آتاویسم مدل جبرزیستی و روانی را در این نگرش مطرح می‌کند. به زعم پیروان این دیدگاه بدبینانه انسان مانند حیوانات دارای ویژگی فطری برای دست‌یازیدن به خشونت و پرخاشگری است. مکتب تحقیقی در قرن ۱۹ با تفکرات جبرگرایانه نشأت گرفته از دیدگاه‌های "اگوست کنت" و با پرچم‌داری "سزار لومبروزو" علت وقوع انحرافات را خارج از اراده و ناشی از جبر بیولوژیک و مخالفت با تقصیر اخلاقی جستجو می‌کند. جنایت در این دیدگاه ارثی است و پیشگیری در خصوص مجرمین بالفطره امکان‌پذیر نیست. رهیافت زیست‌شناسانه خشونت، مقدم بر سایر دیدگاه‌های خشونت تماشاگران فوتبال است. پدیده خشونت مانند سایر پدیده‌های اجتماعی بهنجار تلقی می‌شود. با الهام از مکتب زیست‌شناسی در حوزه خشونت تماشاگران فوتبال دیدگاه‌های متفاوتی در این خصوص ارائه گردید که معروفترین آنها به "تئوری رفتارگریزی" موسوم است.

#### ۱-۶- تئوری رفتارگریزی:

تئوری رفتارگریزی بانام "زیگموند فروید"<sup>۱</sup> و "کنراد لورنز"<sup>۲</sup> پیوند خورده است. به زعم فروید کلیه رویدادها و فعالیت‌های انسان کنشها، اندیشه‌ها، احساسات و آرمانها تحت حاکمیت و تعیین نیروهای غریزی قدرتمند، به ویژه نیروی جنسی و پرخاشگری قرار دارند. فروید انسان را موجودی اساساً مکانیکی در نظر می‌گیرد که قوانین طبیعی مشابه با سایر موجودات زنده بر رفتار او حاکم است (Hjelle and Zigler, 1992, P:108). به نظر فروید، رفتار انسان بر اساس قانون بقای انرژی و از طریق نوع منحصربه‌فردی از انرژی تحریک می‌شود. به نظری، جلوه‌های ذهنی انگیزش‌های فیزیکی به شکل آرزوها جلوه‌گرمی شوند که همان غرایزند. غرایز نشانگر حالتی ذاتی هستند که در پی تخلیه تنش‌های ناشی از فعالیت‌های انسان مانند فکر کردن، یادآوری، و خواب توسط غرایز تعیین می‌شوند. به تعبیر فروید، غرایز "علت‌غایی کلیه فعالیتها" به شمار می‌آیند. فروید با اذعان به وجود احتمالی غرایزی شمار، دودسته از غرایز را تحت عنوان "غریزه بقا" و "غریزه مرگ" به عنوان غرایز اصلی تشکیل‌دهنده طبیعت بشر در نظر می‌گیرد. غریزه بقا در بر دارنده نیروهایی است که در جهت حفظ و بقای فرآیندهای حیاتی عمل‌کنند و ضامن تکثیر نوع بشر هستند. به نظری، انسان بایک غریزه مرگ زاده می‌شود و این غریزه هنگامی که معطوف به درون گردد به صورت تنبیه و مؤاخذه خودظاهری گردد و در موارد فراطبیعی منجر به خودکشی می‌شود. این غریزه هنگامی که متوجه برون گردد به صورت

<sup>۱</sup> S. Freud  
<sup>۲</sup> K. Lorenz

خصوصیت، خشونت، آزار و اذیت، تخریب و قتل تجلی می یابد. غریزه بقا با قرار گرفتن در برابر غریزه مرگ خصلت خود و برانگیزی را متوجه بیرون و دیگران میکند.

به نظر فروید، انرژی و برانگیزا طریق فعالیت‌های مجاز اجتماعی مانند بازیها و فعالیت‌های ورزشی تخلیه میشود، و یا اینکه از طریق پرخاشگری، معطوف به دیگران می شود (Myers, 1994, P:254) فروید از سه ساختار "نهاد" و "خود" و "فراخود" استفاده میکند و نهاد را در پرتو غرایز تشریح میکند که سرمنشأ رفتار است. خود عامل محدود کننده نهاد است. اگر خود نبود نهاد فرد را با اصرار کورکورانه به تباهی میکشاند. نهاد میگوید: در ورزشگاه در حین تماشای فوتبال فحاشی کن. خود میگوید: این فحاشی ممکن است به دستگیری و یا جریمه تیم محبوب و سایر مجازات ها ختم شود و مانع از فحاشی شود. تأثیر پذیری از منطق و استدلال های عقلی و ویژگی های خود است (کی نیا، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۲۲). فراخود همان وجدان و بخش اخلاقی شخصیت است. فراخود ناموس اخلاقی شخص است و هرگاه خود اسیر نهاد شود و از فرامین فراخود سرپیچی می کند توبیخ می شود. احساس شرم و گناه در همین مقوله است.

"کنراد لورنز" مانند فروید بر این باور است که انسان دارای میل طبیعی به ارتکاب خشونت است. رفتار در وهله نخست نتیجه یک انگیزه عمده درونی به سوی عمل است نه عکس العمل در برابر شرایط طبیعی و تنها یک محرک طبیعی این عمل آزاد می کند. لورنز استدلال می کند که انسان ها مانند سایر انواع حیوانی دارای غریزه های پرخاشجویانه هستند. به عنوان مثال، هر انسانی به طور طبیعی تمایل به حفظ سلامتی و داراییهای خودش دارد. پرخاشگری اساساً از یک غریزه موروثی جنگیدن سر چشمه می گیرد و در جریان تکامل، به خاطر سودمندیهای فراوانی که دارد پرورش و توسعه می یابد. مثلاً جنگ سبب پراکندگی جمعیت در عرصه ای گسترده تر می شود و به این ترتیب حداکثر بهره برداری از منابع طبیعی موجود را میسر می کند. (Baron and Byren, 1994, p:667 & Feldman, 1993, p:437) به زعم لورنز هنگام چاره اندیشی در مورد کنشهای خشونت آمیز در جامعه، به جای غفلت از غریزه های طبیعی باید به محیطهای مهار شده ای توجه داشت که مجال و فرصت تخلیه پرخاشگاری را در بستر اجتماعی مناسب و سودمندی فراهم می سازند. نکته تامل برانگیز در دیدگاه لورنز این است که انرژی پرخاشجویانه در افراد انسانی پیوسته در حال انباشت است و در نهایت باید تخلیه شود و هر چه این انرژی بیشتر متراکم شود با شدت بیشتری تخلیه می شود. به نظر وی جامعه باید از طریق ابزارهای مجاز و پذیرفته شده ای مانند شرکت در رقابتهای و فعالیت های ورزشی مجراهای مناسب برای تخلیه این انرژی را فراهم سازد تا از تخلیه آن به شیوه های نامناسب جلوگیری به عمل می آورد. لورنز معتقد است همانگونه که یک حیوان گرسنه پس از غذا خوردن سیر می شود، تخلیه و تجلی ضابطه مند پرخاشگری نیز منجر به ارضای نیاز به پرخاشگری در انسان می گردد. از دید وی چنانچه انباشت خود به خودی غریزه پرخاشگری در دستگاه عصبی از راه پرخاشگری تخلیه نشود یا در مسیر های دیگر قرار نگیرد، فوران انفجار آمیز خشونت می تواند حتی بدون وجود محرکهای بیرونی قابل مشاهده نیز رخ دهد.

از این رو، لورنز "مسیرهای دیگر" را بسیار ضروری و مورد نیاز می داند. به بشر متمدن امروزی از این که سائق پرخاشگری اش را به میزان کافی تخلیه کند در رنج است (Berkowitz, 1986, p:309) لورنز بر خلاف فروید که غرایز مرگ و زندگی را نیروهای متعارض با یکدیگر در نظر می گرفت، تمایل به بقا و زندگی را با تمایل به



پرخاشگری کاملاً سازگار می داند" (Brehm and kassin, 1993 , 350) "دسموند موریس"<sup>۱</sup> از پیروان تئوری رفتارگریزی بالهام از اندیشه های لورنزمعتقد است که پرخاشگری صفت غریزی کلیه حیوانات واز جمله انسان است. ورزش، در واقع شکلی "سالم" از رفتار خشونت آمیز است، ورزش به طور عام و ورزش فوتبال به طور خاص فرصتی بسیار مناسب را برای تخلیه انگیزشهای خشونت آمیز غریزی فراهم می آورد (Cashmore , 1998 , p:91) در همین راستا، ورزش ابزار و تمهیدی مهار شده برای تجلی خشونت به شمار می آید و بروز خشونت در ورزش های مدرن، به استناد چنین دیدگاهی، پیامد سرکوب اجتماعی رفتار پرخاشجویانه ای است که در دوره های پیشین مردمان امکان پرداختن به آنرا داشته اند. برخی از نظریه های انسان شناسی با تکیه بر تئوری رفتار غریزی چنین نتیجه گرفته اند که ورزشهای نوین، نظیر فوتبال در واقع به دلیل وجانشینی برای نبردها و جنگهای پیشین میباشند. این نظریه پردازان به عنوان شاهد مثال مدعای خویش به آداب و مناسک و تشریفات رویدادهای ورزشی ، قواعد حاکم بر فعالیتهای ورزشی و نیز برخی از ورزشهای پر برخورد فیزیکی اشاره میکنند (Belanchard , 1985 , P:2)، ظهور پدیده خشونت و اوباشگری بین تماشاگران فوتبال در چهارچوب تئوری رفتار غریزی با توجه به ورزش مدرن و ماهیت آن تبیین می شود. به زعم نظریه پردازان این تئوری، ورزش در شکل سنتی خود بیشتر معطوف به جنبه های عملکردی بود، به این معنا که افراد به شکل مستقیم و از طریق مشارکت عملی در فعالیت های فیزیکی امکان تخلیه انرژی خشونت آمیز و پرخاشجویانه را پیدامی کردند. افزون بر این، فرصت مذکور از طریق درگیری های که به وقوع می پیوست در اختیار افراد و جوامع قرار می گرفت. اما در دوره مدرن، از یک سو فعالیت های فیزیکی و بدون که امکان تخلیه انرژی پرخاشجویانه را فراهم می ساخت به گونه ای محسوس کاهش یافته اند، و از دیگر سو به مدد رشد و گسترش تکنولوژی های رسانه ای و به همراه آن رواج پدیده هایی مانند حرفه ای شدن و نخبه گرایی ، که با تجاری شدن و چیرگی عوامل اقتصادی بر ورزش همراه بوده است، نقش "تماشاگری" و "هواداری" اهمیت فراوان پیدا کرده است. به این ترتیب با توجه به کاهش فرصت هایی که امکان تخلیه انرژی پرخاشجویانه و خشونت آمیز را برای تماشاگران و بینندگان فوتبال فراهم می ساخت ، افراد گروه هایی که نقش تماشاچی و بیننده را ایفا می کنند از طریق رفتارها و کنشهایی که معمولاً در قالبی شعائرگونه تجلی می یابد و با توسل به حرکات و رفتارهای خشن و پرخاشجویانه، مبادرت به تخلیه انرژی پرخاشجویانه خویش می کنند.

#### ۱-۶- نظریه پالایش روانی<sup>۲</sup>:

فریوید و برخی از پیروان وی با طرح مفهوم پالایش روانی پرخاشگری مدعی شده اند که در بسیاری از موارد نیروی پرخاشگرانه در انسان به طریقی پالایش می شود. پالایش به مفهوم کاهش انگیزه پرخاشجویی است و از طریق ارتکاب کنش پرخاشجویانه یا مشاهده آن حاصل می شود (Baron and Byren , 1994 , P:357). مفروض مسلم در این تئوری بر آن است که اکثریات تمامی انسان هادر درون خود دارای منبع مستقلی از انگیزه های پرخاشگری هستند که از طغیان های مقاومت ناپذیر حکایت می کنند و بانظمی آهنگین تکرار می شوند. از نظر آنها پرخاشگری اساساً از غریزه موروثی جنگیدن سرچشمه می گیرد و در جریان تکامل به خاطر سودمندی های فراوانی که دارد پرورش و توسعه می

<sup>۱</sup> D.Morris  
<sup>۲</sup> Catcharsis Theory

یابد. پیروان این دیدگاه بر این باورند که اگر انسان مجالی برای ابراز پرخاشگری نیابد، نیروی پرخاشجویانه انباشته شده و سرانجام به شکل خشونت مفرط یا بیماری روانی ظاهری گردد. فرضیه پالایش روانی بر این باور متکی است که افرادی که برای جلوگیری از تراکم و انفجار خشم خود سوپاپ اطمینانی قرار میدهند و به طریق غیر مضر هیجانات پرخاشگرانه خود را خالی می کنند ممکن است بتوانند از این طریق پرخاشگری خود را کاهش دهند. این سوپاپ اطمینان می تواند فعالیت های ورزشی یا نعره زدن در یک اتاق خالی و امثال آن باشد. (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۳۱۶) حداقل سه شیوه برای پالایش نیروی پرخاشگرانه از طرف پیروان این تئوری پیشنهاد شده است:

۱- صرف انرژی پرخاشگرانه در فعالیت های بدنی مانند بازی های ورزشی، دویدن، جست و خیز، مشت زنی و نظایر آن.

۲- پرداختن به پرخاشگری خیالی و غیر مخرب

۳- اعمال پرخاشگری، مستقیم حمله به فرد یا موضوع ناکام کننده، آزار و اذیت، ناسزا گفتن، صدمه زدن، تخریب و دیگر رفتارهای معطوف به ویرانگری (ارونسون، ۱۳۶۹، ص ۷۷). در واقع نظریه پالایش روانی بر این دیدگاه متکی است که احساسات و هیجانات درونی سرکوب شده با بروز رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت آمیزی می تواند تخلیه شود. به زعم فروید و پیروانش، تحریک غریزه پرخاشگری در افراد سبب بروز واکنش پرخاشگرانه از سوی آن هاست. بر طبق نظریه امر به نوبه خود منجر به کاهش پرخاشگری شده و نتیجه نهایی این فرآیند کاهش میزان پرخاشگری است. بر طبق نظریه پالایش روانی تخلیه انرژی پرخاشگرانه و خشونت آمیز در فعالیت های ورزشی به عنوان یکی از مهم ترین شیوه های پالایش نیروی پرخاشگرانه، اهمیت ورزش و ورزش فوتبال را در کاهش تمایلات ستیزه گری و جنگجویی نوجوانان و جوانان به وضوح نشان می دهد.

## ۲-۴- دیدگاه های فیزیولوژیکی و بیولوژیکی

از پیشگامان این نظریه می توان سزار لومبروزو<sup>۱</sup> جرم شناس و پدر مردم شناسی جنایی ایتالیار نام برد. وی متوجه شده بود که اغلب جنایتکاران و کج روان اجتماعی در ساختمان بدن یا اعمال بدنی خود دارای نقائص هستند. از این مقدمات نتیجه گرفت که میان نقص بدنی از یکسو و انحراف اجتماعی از سوی دیگر رابطه نزدیکی وجود دارد. از این روسته این فکرافتاد که افراد منحرف تابع عوامل و نیروهای هستند که بیرون از اراده آن هاست (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۸۹). لومبروزو همچنین تاثیر اثر را مورد تاکید قرار داده، معتقد است که شرایط روحی و روانی که ناشی از اثر آب و اقلیم است افراد را به ارتکاب جرم و انحراف می کشاند، زیرا گرایش های مجرمانه، نسل اندر نسل قابل انتقال است (دانش، ۱۳۷۶، ص ۷۲). وی با ابداع اصطلاح جانی بالفطره و در تأیید ادعای خود مبنی بر اینکه پرخاشگری و خشونت پایه و اساس زیستی و بیولوژیکی دارد به کروموزوم های جنسی اضافی اشاره می کند. گاه یک یا چند کروموزوم به الگوی طبیعی کروموزوم ها اضافه شده و به صورت XY یا XXY درمی آید، در نتیجه موجودی پایه عرصه حیات می گذارد که واجد آمادگی بیشتری برای پرخاشگری و خشونت می باشد (ستوده، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷). اگرچه لومبروزو قبول داشت که یادگیری اجتماعی می تواند بر تکامل رفتار جنایتکارانه تاثیر بگذارد، اما این حال معتقد بود که کلیه افراد منحرف از نظر زیست شناختی فاسد و ناقص هستند، بنابراین فاقد هرگونه مسئولیتی بوده و مضربه حال جامعه

<sup>۱</sup> S.Lombroso

و خطرناک می باشند و چاره ای نخواهد بود جز اینکه با آنان مانند حیوانات موذی و درنده رفتار شود. یعنی آنها را از میان بردارند و نابود سازند. (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۱۵۵ و ستوده، ۱۳۸۱، ص ۹۰)

ویلیام شلدن<sup>۱</sup> از دیگر پژوهشگرانی بود که به مطالعه رابطه بین ساختمان زیستی و رفتار انحرافی پرداخت. وی انواع انسانی را به سه نوع مزومورفها، اکتومورف ها و اندومورف ها تقسیم نموده و اظهار نمود که نوع مزومورف بیشتر به اعمال جرم و خشونت و پرخاشگری تمایل دارد، زیراپرانرژی، عصبی و تحریک پذیر است و برعکس آن ها اندومورف ها که افرادی چاق و گردهستند رفتاری مهربانانه دارند و راحت طلب هستند و حال آنکه اکتومورف ها که افرادی لاغر و استخوانی هستند احساسی و تاحدی کناره گیرند (کوئن، ۱۳۷۲، ص ۲۱۸ و احمدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵-۲۴) برخی از جرم شناسان با تاکید بر پرخاشگری تر بودن مردان در مقایسه با زنان به تأثیر هورمون تستوسترون در مردان اشاره کرده اند. به زعم این پژوهشگران میزان بالای تستوسترون در خون به افزایش پرخاشگری در مردان می انجامد و برعکس، میزان پایین این ماده منجر به کاهش پرخاشگری می شود. گروه دیگری از جرم شناسان و زیست شناسان با اشاره به ترکیب شیمیایی خون و تأثیر آن در پرخاشگری، اظهار داشته اند وجود برخی مواد مانند الکل و قند در خون بر پرخاشگری تأثیر می گذارند. به زعم این پژوهشگران، افزون بر بالا بودن میزان تستوسترون، پایین بودن میزان قند و بالا بودن میزان الکل در خون می تواند به افزایش کنشهای پرخاشگریانه منجر شود (Myers, 1994, P:6). مجرمان و بزهکاران عموماً نمادهایی از کمبود ویتامین ها، عادات نامناسب غذایی و سطوح پایین قند خون هستند که با خوی تجاوزگری مرتبط هستند (ال وینفری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳). برخی دیگر از پژوهشگران نیز با چنین استنباطی و با استناد به عوامل ژنتیکی و وراثتی و نیز وجود برخی نیروهای عصبی در انسان، در جهت تبیین خشونت و پرخاشگری در رفتار انسان تلاش نموده اند (Myers, 1994, P:245). در این رویکرد فیزیولوژی اعصاب در جستجوی تبیین هایی برای رفتار مجرمانه هم به دستگاه اعصاب و هم به دستگاه خود مختار نظر کرده و جرم شناسان زیستی در این حوزه ردیابی خشونت را در دوران کودکی جستجوی کنند (ال وینفری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶).

### ۳-۴- نقد و ارزیابی تئوری های زیستی:

در پاسخ به این سؤال که آیا پرخاشگری مستقیم نیازه پرخاشگری را کاهش می دهد یا خیر؟ مایک دیتکا<sup>۲</sup> سرمربی تیم ملی فوتبال آمریکایی گوید "برخوردهایی که در حین بازی پیش می آید، نشانگر طبیعت بشر است و اتفاقاً اگر این خشونت ها در میدان ورزش رها شود، اصل جامعه از خطر بروز خشونت های شدید تر مصون می ماند".

اکثر شواهد دلالت بر عکس این موضوع دارند. بدین معنا که آسیب رساندن به دیگری، احساسات منفی پرخاشگر را نسبت به قربانی افزایش می دهد و در نتیجه منجر به پرخاشگری بیشتری می شود. به بیان دیگر اگر از پرخاشگری تمایل به پرخاشگری را کاهش نمی دهد بلکه این تمایل را افزایش می دهد (ارونسون، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸). در همین راستا مارش و همکارانش معتقدند که پرخاشگری و خشونت تاحدی در ساختمان ژنتیک انسان وجود دارد و مقدمات پرخاشگری را فراهم می آورد، اما در عین حال اذعان دارند که انگیزش و مهارت پرخاشگری در انسان تا حد زیادی فرآیندی فرهنگی به شمار می آید. به عبارت دیگر اگرچه پرخاشگری ممکن است شالوده زیست شناختی داشته باشد، شرایط

<sup>۱</sup> V.Sheldon  
<sup>۲</sup> M.Ditka

انگیزش، هدف ها و نحوه جلوگیری از آن اجتماعی است (ویلیامز و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۷۰). یکی از مهمترین انتقادات وارد شده به نظریه پردازان تئوریهای زیست شناختی این است که آن ها از نوعی تفکر و استدلال دوری استفاده می کنند. بدین معنا که ابتداء مشاهده پرخاشگری به عنوان نوعی رفتار مشترک می پردازند، آنگاه بر اساس این واقعیت استدلال می کنند که چنین رفتاری باید برخاسته از انگیزش ها و تمایلات جهان شمول باشد. در نهایت نظریه پردازان مذکور برای تایید وجود پرخاشگری به میزان بالای وقوع آن متوسل می شوند. این استدلال از نظر منطقی در معرض تردید قرار دارد (بارون و بایرن، ۱۹۹۴ به نقل از محسنی تبریزی و رحمتی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶). به طور کلی نظریه پردازان زیستی مطالعات دقیقی در مورد غریزی بودن خشونت در انسان انجام نداده اند و تنها آزمایشات دقیق آن ها بر روی حیوانات بوده است که به انسان ها نیز تعمیم داده شده است این در حالی است که نرخ بروز خشونت در انواع انسانی از یک گروه به گروه دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت است و به عوامل روانی و اجتماعی خاصی مربوط می شود. آن ها همچنین نمیتوانند روش مناسبی برای آزمون تجربی گزاره هایشان فراهم آورند و از دیگر سوشو سواد تجربی اندکی برای تأیید ادعای خود دارند. به همین دلیل علی رغم اینکه در آغاز مطرح شدن از توجه خاصی بین محققان برخوردار شدند، لیکن به دلیل انتقادات فراوانی که از آن ها صورت گرفت در عرصه پژوهشهای علمی از تداوم و پایداری چندانی بهره مند نگردیدند. علاوه بر انتقادات کلی که بر این نظریه وارد شده است، انطباق آن با فعالیت های ورزشی نیز با محدودیت های جدی همراه است. برخی از این محدودیت ها و انتقادات به شرح زیر می باشد:

۱- همه ورزشکارانی توان محل خوبی برای رهاسدن انرژی پرخاشگرانه دانست. زیرا ماهیت برخی از رشته های ورزشی در بردارنده تماس مستقیم بین بازیکنان به منظور درگیر شدن با حریفان نیست. ورزشهایی مانند: شنا، گلف و تنیس از این دسته اند.

۲- برخی از مطالعات و تحقیقات انجام گرفته از این ایده که شرکت در فعالیت های ورزشی باعث بیرون ریختن انرژی پرخاشگرانه غریزی می شود حمایت جدی نمی کند. زیرا اگر این ورزش ها وسیله ای برای تخلیه انرژی پرخاشگرانه می بودند، نتیجتاً ورزشکاران می بایست بسیار اجتماعی و سربه راه باشند و البته مطالعات خلاف این موضوع را نشان می دهد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که خشونت در ورزش نه تنها موجب کاهش خشونت و انحراف در جامعه نمی شود، بلکه باعث افزایش رفتارهای مشابه جنایی در جامعه می شود. به طور مثال فیلیپز (۱۹۸۳) طی تحقیقی نشان داد که میزان خودکشی در ایالات متحده آمریکا با فاصله پس از پخش گسترده تلویزیونی مسابقات افزایش می یابد (نادریان جهرمی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۹-۲۸۸).

۳- تحقیقات متعددی نشان داده است که وجود و محبوبیت ورزشهایی که در طی آن ورزشکاران با یکدیگر برخورد می کنند و پرخاشگری امکان بروز میابد. با وجود پرخاشگری و خشونت در اصل جوامع ارتباط دارد. یعنی برخورد در ورزش و نمایش اعمال خشونت در میدان های ورزشی، تجلی گرایشهای نهفته جنگ طلبی و نشانگر نرخ بالای جنایت، خشونت های محلی و پرخاشگری های موجود در جامعه است. به طور مثال در آمریکا در زمان جنگ، ورزشهای مستلزم برخورد مثل هاکی، بوکس و فوتبال از محبوبیت بیشتری برخوردار است (صدیق سروستانی، ۱۳۷۴، ص ۱۶).

۴- در نهایت و از همه مهمتر اینکه باید اذعان نمود که تئوریهای زیست شناختی عمدتاً به ماهیت پرخاشگری و خشونت در فرد توجه دارند و تبیین روشنی از پرخاشگری ها و خشونت هایی که در قالب حرکات و کنش های جمعی انجام

میشوند، ارائه نداده اند. لذا با توجه به موضوع این تحقیق در بررسی علل رفتارهای وندالیستیک و اوباشگرانه تماشاگران فوتبال، بدون شک تئوری فوق قادر به ارائه تبیین کاملی از رفتارهای خشونت آمیز تماشاگران فوتبال نخواهد بود.

## ۵- دیدگاه فقه امامیه

ادیان آسمانی تأکید زیادی بر ورزش داشته اند. مهمترین دلیل عقلانی اهمیت ورزش به خصوص در دین مبین اسلام، این است که مکتب اسلام دینی اجتماعی بوده و ارزش فراوانی برای مسئولیت اجتماعی و فعالیت های جمعی قائل است، لذا به تقویت استمرار روابط اجتماعی و توسعه شبکه های آن از طریق ورزش و روابط ورزشی کاملاً توجه داشته و آن را مورد تأکید فراوان قرار می دهد (آقا پور، ۱۳۶۸، ص ۱۳۶). همیشه در قرآن قوی بودن به عنوان یک امتیاز و عامل مثبت ارزیابی شده و بر تقویت بنیه بدنی و ورزشی تأکید شده است. خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال می فرماید: "و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه" در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانایی دارید، از نیرو آماده سازید. خداوند در آیات متعدد قرآن کریم خود را "قوی" می نامد. مسئله دیگر در این زمینه، تأثیر متقابل جسم و روان بر یکدیگر و کمک جسم به ایجاد ارزش های معنوی، تهذیب و تزکیه نفس و جهت دار بودن تربیت بدنی است. نماد ملموس، حقیقی و واقعی تحقیق این هدف، حضرت علی (ع) است که قدرت جسمانی رافقط، وسیله ای برای تقرب به خداوند قرار می دهد. ایشان در این باره می فرماید: "هنگامی که قوی می شوی، بر طاعت خدا شو و هنگامی که ضعیف می شوی، از معصیت خدا ضعیف شو." هم اوست که وقتی عمرو بن عبدود پهلوان نامی عرب را بر زمین می زند و قصد هلاکتش را دارد چون عمرو بر صورت مبارک او آب دهان می اندازد، حضرت از سینه ی او برمی خیزد و لحظاتی را به تأمل و قدم زدن می پردازد، تا مبادا در این قتل امیال شخصی و هواهای نفسانی با انگیزه ی جهاد شریک شوند (سید رضی، ۱۳۹۲، ص ۳۷۵). دین مبین اسلام با اظهار نظر صریح درباره ورزش زمان خود پرداختن به آن هارا توصیه کرده است. در احادیث آمده است که حضرت پیامبر (ص) اسب دوانی میکردند و در مسابقه اسب دوانی برای برنده چند مثقال نقره به عنوان جایزه مقرر می فرمودند. (حرعاملی، ج ۱۳، ص ۳۴۶) ورزش فوتبال به عنوان یک ورزش مدرن در صدر اسلام وجود نداشته است. مهم هدف و جهت ورزش است که به کدام سر می رود و کدام اهداف را دنبال می کند. ورزش هم مثل هر چیز باید در راستای هدف آفرینش انسان و کمال نهایی او یعنی قرب الی الله باشد. چه تفاوت دارد که این هدف توسط شنا و سوارکاری تحقق یابد یا فوتبال. فوتبال به خودی خود فاقد ارزش است و نیت و هدف و جهت حرکت آن است که به آن ارزش می دهد. فرسایش اخلاق در فوتبال ناشی از مادی نگری صرف و تغییر در هدف ورزش برای رسیدن به امور مادی است. به طور کلی هدف ورزش در اسلام به شرح زیر می باشد:

- ۱- تقویت روان و افزایش توانمندی آن در مبارزه با هوای نفس و غلبه بر عادات زشت مانند حسادت، خودپسندی و کینه توزی.

۲- تعدیل عواطف و مسلط نشدن حالاتی چون خشم، ستیز، ترس و محبت

۳- رفع عوارض روان از نگرانی ها، انزوا جویی ها، یأس ها و ترس ها.

۴- تعدیل رقابت و پذیرش اصول و ضوابط معقول در زندگی روزمره.

۵- تمرین تشکل و تحزب و تن دادن به سازماندهی و تعاون برای پیشبرد اهداف و عادت به انضباط و دقت در امور

۶- افزایش توان رزمی انسان برای مبارزه با ظلم و بیداد (توحیدی اقدام، ۱۳۸۰، ص ۲۹).

خشونت رامی توان از منظر دینی این گونه تعریف نمود: "وارد آوردن هر نوع آسیب و فشار، اعم از فیزیکی و غیر فیزیکی، در غیر از مواردی که مجوز شارع مقدس در انجام آن وجود دارد" نقطه عطف این تعریف در جواز و یا عدم جواز فعل ارتكابی در شرع مقدس است (نیک بخت، ۱۳۹۳، ص ۱۵). مجوز شارع مقدس سبب اباحه خشونت خواهد گردید. مثلاً در دفاع مشروع یا تنبیه صغار یا مجانین و یارضایت در عملیات پزشکی و ورزشی. مبنای حرمت خشونت تماشاگران فوتبال قاعده حرمت جان، مال و آبروی افراد است. حرمت مال مسلمانان مانند حرمت خوش است. پیامبر مکرم اسلام فرمودند: "یا باذر..... و حرمة ماله كحرمة دمه" (حر عاملی، ج ۱۲، ص ۲۸۱). پیامبر مکرم اسلام فرمودند: "ان حرمة عرض المؤمن كحرمة دمه و ماله" حرمت حیثیت و آبروی مؤمن همانند حرمت جان و مال اوست (تویسرکانی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۲۶). اصل اولیه محترم شمردن جان و مال و ناموس همه افراد است و این اصل ربطی به دین و آیین، نژاد و رنگ پوست و... ندارد (شهید ثانی، ج ۲، ص ۲۲۸). تماشاگران فوتبال در قالب جرم شناسی نفرت اقدام به خشونت علیه سیاهان یا مسلمانان می کنند. خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات می فرماید: "ان اكرمكم عند الله اتقیکم" همانا گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شما است. خشونت تماشاگران فوتبال در ابعاد کلامی محرماتی را در حدود نظیر قذف و در تعزیرات جرایمی را نظیر توهین، افترا، نشر اکاذیب و وجود برمیگیرد که بر اساس اصول مسلم فقه امامیه در قالب حدود و تعزیرات و به طور کلی گناهان صغیره و کبیره قابل بررسی است. در جرایم علیه اموال و اشخاص نیز تخریب، ایراد ضرب و جرح عمدی و قتل اعمال خشونت آمیز تماشاگران فوتبال حرام و مستوجب عقوبت دنیوی و اخروی خواهد گردید. خشونت در فقه امامیه دارای رکن عمدی بودن است. امیرالمومنین علی (ع) می فرماید: "المذنب عن غیر علم یری من الذنب" کسی که با عدم آگاهی گناه کند از گناه پاک است (تمیمی آمدی، ۱۳۹۳، ص ۲۵۲). در آموزه های جرم شناسی زیستی خشونت تماشاگران فوتبال بر مبنای اجبار زیستی و عدم اراده انسان توجیه شده و بعضاً این خشونت را سودمند و مانع از کشیده شدن آن به فضای عمومی جامعه و خسارت بیشتر میدانند. در فقه امامیه جبر زیستی باطل و خشونت در قالب دسته بندی جرایم و گناهان حرام می باشد. جبر زیستی لومبروز و در مکتب تحققی و جبر روانی فروید و طرفداران آنها با تلقی انسان به مثابه موجودی بی اراده برخلاف دیدگاه های قرآن و فقه امامیه است. در فقه امامیه هر چند بنا بر آیات، انسان مختار و نظریه جبر باطل است و سه دلیل عمده که عبارتند از: ۱- پاداش و کیفر ۲- ارسال پیامبران و انزال کتاب آسمانی ۳- اوامر و نواهی الهی برای آن آورده اند که تنها انسان مختار و شایسته این سه امر است لیکن این به معنای استقلال انسان در اعمال خویش نیست که بتواند بدون تکیه به حول و قوه الهی کاری انجام دهد از این رود روایات متعددی آمده است که خداوند بندگان را به عمل مجبوری کند و آنهارا به خودوامی نهادتا هر چه میخواهند انجام دهند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲ و ۶۷) و این همان معنای امر بین الامرین است. فعلی که از انسان صادر میشود فعل اوست و هم فعل خداوند. بدین معنی که انسان از نظر وجودی ممکن است و همانطور که در وجودش به خداوند وابسته است در افعال نیز به او وابسته است (حسینی تهرانی، ۱۳۶۵، ص ۵۵۷). یعنی همان طور که فاعلیت اختیاری انسان انکارناپذیر است تأثیر عالی و استقلال خداوند در افعال او که در مرتبه ای بالاتر از تأثیر انسان در کارهایش قرار دارد انکارناپذیر است. در آیات مختلف قرآن به "امر بین الامرین" اشاره شده است. در سوره رعد آیه ۱۱ و ۱۳ خداوند می فرماید: "که خداوند بدون دلیل سرنوشت انسان و اقوام بشری را تغییر نمی دهد و تا انسان ها خود سرنوشت خویش را برگزینند و وضع آنها را در گون نمی کند". از امام صادق (ع) نقل است که فرمودند: "کما ان بادی النعم من الله عزوجل وقد نحلکموه فکذلک الشر من انفسکم وان جری

به قدره "همان گونه که آغاز نعمت ها از خدای عزوجل است و شما آن رابه خود نسبت می دهید همچین شرازشماست گرچه قدر خدا در آن جاری است (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ص ۵۶۹).

امام صادق (ع) فرمودند: هر کس پندارد که خدای تبارک و تعالی به بدی و فحشاء فرمان می دهد به خدادروغ بسته است. هر کس پندارد که خیر و شریبه غیر از اراده خداست خداوند را از قدرتش خارج کرده است. هر کس پندارد که نافرمانی ها به غیر از نیروی الهی است بر خدادروغ بسته است. آنچه در دیدگاه فروید در قالب اجبار و آتوایسم روانی و سیرقه قریبی و رجوع به اصل سفلی و حیوانی و نیاگرایی روانی و جبر مطرح است در احادیث و روایات باطل است مفاهیم نهاد خود و فراع خود را در قرآن و احادیث باید در نفس اماره، نفس ملهمه و نفس لوامه جستجو کرد نفس اماره در روایات پیامبریه شتر مرغ و خرزهره تشبیه شده که اولی زیاد می خورد و پرواز نمی کند و دومی رنگش زیباست و طعمش تلخ است. (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۶۰) نفس ملهمه و یا الهام گرد در قرآن در آیات ۸ تا ۹ سوره شمس بدان اشاره شده است تا در زندگی چه راهی را انتخاب کند و از چه راهی پرهیز کند. آیت الله مطهری می گوید: نفس یکی است و درجات دارد در درجه دانی و پست (نفس اماره) وقتی پایش را از گلیمش درازتر میکند باید جلوی پایش را گرفت (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷). در آیه دوم از سوره القیامه خداوند به نفس لوامه سوگند یاد میکند نفس ملامت گری که علامه محمد تقی جعفری آن را وجدان و امین ترین پیک الهی در انسان می داند. (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۸۰) در رد افکار لومبروز و تیپ شناسان جنایی که آتوایسم زیستی و داروینیسیم را مبنای دیدگاه های جبری خویش قرار داده اند.

امام رضا (ع) فرمودند: هر کس که به جبر اعتقاد دارد به وی زکات ندهید و گواهی اوران پذیرد خداوند تبارک و تعالی هیچ جانی را جز به مقداری که توان دارد مکلف نساخته است و افزون بر توانش بردوشش نهاده است و هیچ کس را جز آنچه بر اوست نرسد و هیچ کس گناه دیگری رابه دوش نمی کشد (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ص ۵۶۱). بنابراین مجرم مادر زاد در افکار اسلامی توهمی بیش نیست. برخلاف فروید و طرفدارانش و جرم شناسان زیستی خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال راهی برای تخلیه آن نیست زیرا خشونت سبب آسیب به دیگران و حق الناس بوده و حرام است پس پالایش روانی تماشاگران فوتبال نمی تواند توجیه گر خشونت آنان باشد در عوض در دین مبین اسلام صرف نظرا حرمت خشونت تماشاگران فوتبال به دلیل تجاوز به نفوس، اموال و اعراض دیگران و تشبیه خشونت گراه کارهای معنوی به لحاظ پابندی به باورها و جهان بینی اسلامی از متن روایات برای پیشگیری از پرخاشگری و خشونت به دست می آید. مواردی از قبیل ذکر که همانا یاد خداست انسان را از پرخاشگری دور میکند. امام صادق (ع) فرمودند: "خداوند به یکی از پیامبران وحی فرستاد ای فرزند آدم به هنگام غضبت مرا به یاد آر تا من نیز به هنگام غضبم تورا به یاد آورم. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۴). تقوا از موارد دیگر است که جنبه بازدارندگی و خود مهارگری دارد جنبه عقلی آن در قالب نفس ملهمه و تقوا در قالب نفس لوامه مدنظر است وضو و غسل راهکار دیگر است. رسول خدا (ص) می فرمایند: "هرگاه یکی از شما غضبناک شد پس وضو سازد و غسل کند زیرا که غضب از آتش است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۷۲). تفکر درباره عاقبت رفتار پرخاشگرانه راهکار دیگر است دورانندیشی و عاقبت اندیشی همان قاعده انتخاب عقلانی و اصالت سودمندی ژومی بنام است. راه کارهای دیگری نظیر صبر، مزاح، سکوت و رفتار جرات مندانه برای مظلوم واقع نشدن و دوری از رفتار منفعل مؤثر است.

بزرگترین عامل را باید مقابله های معنوی در پرتو تقویت تقوایدانست. تماشاگران فوتبال با تقویت ابعاد معنوی خویش می توانند به مجاری برون رفت از خشونت و پرخاشگری دست یابند. غفلت جرم شناسان زیستی از الهیات و پدیده های معنوی و موجودی به نام شیطان که مأمور وسوسه انسان است سبب گردیده تا در تبعیت از "گوست کونت" انسان را موجودی مادی صرف قلمداد کنند و به مسائل متافیزیکی توجهی نداشته باشند. وقتی مبنای اطلاعات در جرم شناسان زیستی ناقص است پاسخ های آنان نیز در گرایش تماشاگران به خشونت و پرخاشگری دچار تزلزل و نقص خواهد بود. جرم شناسی علم انسان است و قرآن کتاب انسان و شناخت انسان به فرموده امیرالمؤمنین بهترین دانش ها است. "معرفه النفس أنفع المعارف" و شناخت خداوند دو گرو شناخت انسان است که پیامبر (ص) فرمودند: "من عرف نفسه فقد عرف ربه" (خوانساری، ۱۳۵۹، ج ۶، ص ۱۴۸) پس جرم شناسی علم دین است. میتوان با داده های اسلامی خشونت تماشاگران فوتبال را تحلیل و علل آنرا بیان نمود و راهکارهای پیشگیری آنرا بر شمرد.

## ۶\_ نتیجه گیری

خشونت تماشاگران فوتبال به عنوان یک انحراف در سطح جهان شناخته می شود و مفهوم خشونت و پرخاشگری علی رغم تفاوت های جزئی همبستگی و مقاربت فراوان دارند. عمدی بودن و رساندن آسیب به دیگران از عمده خصیصه های این مفهوم است. ورزش فوتبال با کارکرد صنعتی و تجاری و مادی از فلسفه اولیه ورزش و اهداف آن دور شده و تماشاگران نیز با موج سواری روی این اهداف، خشونت را در دستور کار خود قرار می دهند. توسل به جبر زیستی و روانی توسط لومبروزو و فروید و طرفداران آنها، تماشاگران فوتبال را در بروز خشونت و پرخاشگری فاقد اراده و اختیار دانسته و تحلیل این خشونت با تبعیت از مادی گرایانی نظیر آگوست کنت تنها در جنبه مادی و آن هم در غریزه یا نهاد جستجوی می شود. پرخاشگری بر اساس اعتقادات جبریون زیستی سبب تخلیه و کاهش خشونت گری تماشاگران فوتبال می شود. ولی در عمل این خشونت احساسات منفی پرخاشگری را تقویت و خشونت را تشدید و سبب تکرار آن می شود. فردگرایی و توجه به فرد بودن در نظر گرفتن گروهی بودن تماشاگران فوتبال از عمده ضعف های این دیدگاه است. فقه امامیه خشونت تماشاگران فوتبال را با تمسک به اراده و اختیار در قالب تحریم اضرار به غیر در ابعاد جانی و مالی و آبرویی توجیه و آن را غیر موجه و ممنوع اعلام می دارد. توجه به راه کارهای معنوی و اعتقاد وجود نفس اماره و ملهمه و لوازمه در کنار اختیار و وجود پدیده ای به نام شیطان که وسوسه گراست و نفس اماره را به مثابه ابزاری برای خشونت در دست میگیرد از اصول توجیه خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال است. صرف نظر از کیفر راه کارهای مقابله با خشونت تماشاگران فوتبال را می توان با تمسک به امور معنوی تسهیل نمود. لذا نظریات جرم شناسان زیستی نمی توانند مبین خشونت تماشاگران فوتبال بوده و دارای نقایص بسیار است. نظریه اینکه جرم شناسی و قرآن دارای هدف مشترک و آن اصلاح انسان ها است می توان با تمسک به روایات و آیات قرآن کریم الگوی مناسب را در جستجوی علل بروز خشونت تماشاگران فوتبال ارائه نمود.



## فهرست منابع و مآخذ

### منابع فارسی:

#### \*قرآن کریم

- ۱- آریان پور، عباس و منوچهر، ۱۳۹۳، فرهنگ لغت انگلیسی به فارسی، تهران، نشر جهان رایانه.
- ۲- ارنسون، الیوت، ۱۳۶۹، روانشناسی اجتماعی، چاپ هشتم، ترجمه حسن شکر شکن، تهران، نشر رشد.
- ۳- آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۷، روانشناسی اجتماعی چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۴- آقاپور، سید مهدی، ۱۳۶۸، جامعه شناسی ورزش، تهران، نشر سازمان تربیت بدنی.
- ۵- آقای مجید، ۱۳۹۶، مکاتب کیفی، چاپ دوم، تهران، نشر خرسندی.
- ۶- احمدی، حبیب، ۱۳۸۴، جامعه شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت.
- ۷- ال وینفری، توماس، ۱۳۸۸، نظریه های جرم شناسی، نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد.
- ۸- اخوان کاظمی، مسعود، ورزش و سیاست بین الملل، فصلنامه المپیک، سال هفتم، تهران شماره ۱ و ۲.
- ۹- تمیمی آمدی، ۱۳۹۳، غررالکلم و دررالکلم، ترجمه محمد مهدی شهرضا، قم، نشر صبح پیروزی.
- ۱۰- توحیدی اقدم، محمد حسین، ۱۳۸۰، درآمدی بر ورزش در اسلام، تهران، نشر نصاب.
- ۱۱- تویسرکانی، محمد نبی، ۱۳۷۳، لئالی الاخبار، ج ۵، تهران، نشر جهان.
- ۱۲- جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۳، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۳- حسینی تهرانی، سید محمد حسین، ۱۴۱۰ق، نور ملکوت قرآن، ج ۱، مشهد نشر علامه طباطبایی.
- ۱۴- دانش، تاج زمان، ۱۳۷۶، مجرم کیست، جرم شناسی چیست، تهران، نشر کیهان.
- ۱۵- ری شهری، محمد، ۱۳۸۴، میزان الحکمه، ج ۹، قم، نشر دار الحدیث.
- ۱۶- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسایل الشیعه، ج ۱۲، قم، مؤسسه آل البيت.
- ۱۷- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسایل الشیعه، ج ۱۳، قم، مؤسسه آل البيت.
- ۱۸- خوانساری، جمال الدین محمد، ۱۳۵۹، شرح غررالکلم و دررالکلم، ج ۶، چاپ دوم، نشر دانشگاه تهران.
- ۱۹- ستوده، هدایت الله، ۱۳۸۱، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، نشر آوای نور.
- ۲۰- ستوده، هدایت الله، ۱۳۷۳، درآمدی بر روانشناسی اجتماعی، تهران، نشر آوای نور.
- ۲۱- سید رضی، نهج البلاغه، ۱۳۹۲، ترجمه محمد دشتی چاپ اول، قم، نشر یاسین نور.

- ۲۲- صدیق سروسنانی، رحمت الله، ۱۳۷۴، آاسیب شناسی اجتماعی ورزش قهرمانی، فصلنامه المپیک، سال سوم، شماره ۳ و ۴، ص ۸-۲۳.
- ۲۴- شیخ صدوق، ۱۳۹۳، معانی الاخبار، ترجمه حمید رضا شیخی، تهران نشر المغانم طوبی.
- ۲۵- شهیدثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۲ق، الروضة البهیة فی شرح لمعة الدمشقیة، شارح حسن بن محمد، ج ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۶- قاسمی، وحید، ذوالکتاب، وحید، نورعلی وند، علی، ۱۳۸۸، جامعه شناسی ورزش، تهران، نشر جامعه شناسان.
- ۲۷- کلینی محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، اصول کافی، ترجمه علی اکبر غفاری و محمود آخوندی، ج ۲، تهران، دارالکتاب الاسلامیة
- ۲۸- کی نیا، مهدی، ۱۳۷۳، مبانی جرم شناسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۹- کوئن، بروس، ۱۳۷۲، مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، نشر سمت
- ۳۰- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۳، جامعه شناسی ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
- ۳۱- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، ج ۷۰، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- ۳۲- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، ج ۵، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- ۳۴- محسنی تبریزی، علی رضا، رحمتی، محمد مهدی، ۱۳۸۱، سیری در مفاهیم و پرخاشگری، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۹، ص ۱۲۹-۱۵۳.
- ۳۵- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، انسان کامل، تهران، نشر صدرا.
- ۳۶- نادریان جهرمی، مسعود، ۱۳۸۴، مبانی جامعه شناسی در ورزش، اصفهان، نشر هنرهای زیبا.
- ۳۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، ۱۳۷۷، دانشنامه جرم شناسی، تهران، نشر گنج دانش.
- ۳۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، دوران گذر به خشونت و امنیت عمومی، مجله امنیت شماره ۵ و ۶.
- ۳۹- نیکبخت، سارا، ۱۳۹۳، زمینه های گرایش به خشونت، تهران، نشر آوا.
- ۴۰- ویلیام جیمز و دیگران، ۱۳۷۹، کند و کاوی در پدیده اوباشگری در فوتبال، ترجمه حسن افشار.

## **Abstract**

This study investigates the definition of violence and aggression by the views of Imamiyah biologists and criminologists regarding the behavior of football onlookers. The purity and empiricism of Rakin are the approaches of biological criminologists. Most of these theories are in the criminalization of individuals and the perception of violence by football watchers as the valve of confidence in evacuating the destructive instinctive emotions that, if not evacuated, lead to mental illness. Football spectators, emphasizing the sanctity of John Wamal's and Abram's people, justify the violence of the spectators in favor of the spectator, and he is admired by the Al-Amraini theory of theology as a humanistic and criminological analysis book. Have an opinion to compensate for the criminological flaws of violent soccerwatchers .

Keywords: Imamiyah jurisprudence, criminology, violence, football spectator